مجلهٔ زبانشناسی و گویش‌های خراسان ، سال چهاردهم ، شماره ٤، زمستان ١٤٠١، شمارهٔ پیاپی ۲۹

DOI: 10.22067/JLKD.2022.77708.1111

رویکرد شناخت‌گرایی به مکان در لایهٔ جهان متن *کرسی* اثر شیرکو بیکس: تحلیلی بر پایهٔ انگارهٔ جهان‌های متن

بهمن حیدری دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

عامر قیطوری دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

مسعود دهقان دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشکدهٔ زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان، سنندج، کردستان، ایران (نویسندهٔ مسئول)

صص: ۱۰۰-۷۸

چکیده

پژوهش حاضر نه تنها ارائهٔ اولین مطالعهٔ کامل دربارهٔ یک شاعر کُردزبان با استفاده از نظریهٔ جهان‌های متن است، بلکه نخستین ارائه از نحوهٔ شکل‌گیری مکان جهان متن *کرسی* اثر شیرکو بیکس بر پایهٔ نظریهٔ جهان‌های متن است که به روش توصیفی-تحلیلی و با هدف دست‌یابی به مکان جهان متن *کرسی* انجام شده است. داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و از متن کرسی اثر شیرکو انتخاب و گردآوری شده‌اند. بررسی شکل‌گیری مکان جهان متن *کرسی* با استفاده از عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر نشان داد که مکان جهان متن *کرسی* از رهگذر نام‌مکان‌ها و در غیاب نام‌مکان‌ها از رهگذر عناصر جهان‌ساز زمان و شخصیت بازنمایی می‌شود. همچنین، بخشی از بازنمایی مکان جهان متن *کرسی* از رهگذر گروه‌های فعلی گزاره‌های نقش‌گستر حاصل می‌شود. علاوه بر این، بازنمایی مکان در جهان متن *کرسی*، شواهد شناختی-شعری برای حمایت از ادعای وی مبنی بر اینکه مکان و اسامی سطح وسیعی از آثار او را در برگرفته‌اند، ارائه داد.

کلیدواژه‌ها: انگارهٔ جهان‌های متن، عناصر جهان‌ساز، گزاره‌های نقش‌گستر، شیرکو بیکس، *کرسی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

پست الکترونیکی:
1. bahmanhaidari90@gmai.com 2. gheitury@gmail.com
3. m.dehghan@uok.ac.ir

۱. مقدمه

هستهٔ شعری و فکری شیرکو بیکس (۱۹۴۰– ۲۰۱۳) شاعر نوپرداز کُرد را عناصر انگشت‌شماری شکل می‌دادند که از آن جمله می‌توان به عناصر طبیعت، خاک و آزادی اشاره کرد (نظربیگی،۱۳۹۲). از میان این سه عنصر آنچه که برای جستار پیش‌رو حائز اهمیت و قابل توجه است؛ عناصر طبیعت و خاک هستند که در این پژوهش معادل عنصر بزرگ مکان در نظریهٔ جهان‌های متن[۱] (ورث[۲]،۱۹۹۹) در نظر گرفته شده‌اند. شیرکو بیکس مکان را از عوامل بسیار مهم در نوگرایی شعرش به‌حساب می‌آورد، به‌گونه‌ای که در همه‌جای آثارش از جاها و مکان‌ها سخن می‌راند و نام اشخاص، مکان‌های تاریخی و جغرافیایی، حتی اگر نام محله‌ای کوچک بود، تشخص و عظمت پیدا می‌کردند (مرادی،۱۳۹۲). اگر مکان را از آثار او بگیریم چیزی جز خلاء باقی نمی‌ماند. مثال‌های زیادی در اکثر آثارش وجود دارد که نشان می‌دهد مکان در شعرهای او تأثیر زیادی داشته است. در همین رابطه، او در پیش‌گفتار برگردان کتاب *کرسی* به زبان فارسی آورده است که «مکان و اسامی در آثار من سطح وسیعی را در برگرفته‌اند. راستش من [شیرکو] بدون استفاده از سه عنصر طبیعت، اسم و مکان نمی‌توانم بنویسم» (شاسواری،۲۰۱۳: ۱۱).

علی‌رغم این که پژوهش بر روی آثار شیرکو در محافل پژوهشی ایران از سال ۱۳۹۲ آغاز شد، هنوز پژوهشی که به‌طورویژه به بررسی شناسایی ویژگی‌های ارکان اصلی یا به عبارتی هستهٔ شعری و فکری شیرکو پرداخته باشد، انجام نشده است. شایان ذکر است که یکی از ارکان اصلی شعر شیرکو عنصر جهان‌ساز مکان است. بنابراین، با توجه به اهمیت این عنصر در آثار وی این پرسش مطرح می‌شود که بازنمایی عنصر جهان‌ساز مکان در جهان متن *کرسی* چگونه صورت گرفته است؟ در این راستا، ورث (۱۹۹۹) شکل‌گیری عنصر مکان در جهان متن را از رهگذر عنصر جهان‌ساز[۳] مکان در سطح جهان متن نظریهٔ جهان‌های متن مطرح کرد. همچنین، لاهی[۴] (۲۰۰۶) ساخت مکان در جهان متن را علاوه بر عنصر جهان‌ساز مکان از رهگذر دیگر عناصر جهان‌ساز مانند اشخاص، اشیاء، زمان و حتی گزاره‌های نقش‌گستر[۵] نیز به

1- Text worlds theory
2- P. Werth
3- world-building element
4- E. Lahey
5- function- advancing propositions

دست داد. به دیگر سخن در یک گفتمان، مکان یک جهان متن یا به‌طور صریح از نظر زبانی ذکر می‌شود و یا اینکه به‌طور صریح بیان نمی‌شود و باید از طریق مجموعه‌ای از سرنخ‌های زبانی کمتر صریح بازنمایی کرد. بنابراین، در پژوهش حاضر علاوه بر اینکه شکل‌گیری مکان در جهان متن‌کرسی از رهگذر عنصر جهان‌ساز مکان با استفاده از گزوه‌های اسمی با معنای مکان‌نما بر اساس یافته‌های ورث (۱۹۹۹) بررسی شده است، امکان شکل‌گیری آن از رهگذر سایر عناصر جهان‌ساز مانند: اشخاص، اشیاء، زمان و گزاره‌های نقش‌گستر بر اساس یافته‌های لاهی (۲۰۰٦) نیز مورد واکاوی و بررسی قرار گرفته است. در ادامه، پیش از بررسی نحوۀ شکل‌گیری ساخت مکان در جهان متن‌کرسی بر اساس نظریۀ جهان‌های متن (ورث،۱۹۹۹ و لاهی،۲۰۰٦)، ابتدا به پیشینۀ پژوهش و روش‌شناسی پژوهش و سپس چارچوب انگارۀ جهان‌های متن، به‌ویژه در مورد ساخت مکان در جهان متن خواهیم پرداخت و در بخش پایانی نیز نحوۀ شکل‌گیری مکان در جهان متن‌کرسی بر اساس عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر بررسی خواهد شد.

۲. پیشینۀ پژوهش

در هیچ‌یک از پژوهش‌های صورت گرفتۀ پیشین که توسط پژوهشگران ایرانی بر اساس نظریۀ جهان متن انجام شده، به‌طور ویژه به عنصر جهان‌ساز مکان پرداخته نشده است و در کل عنصر مکان را در کنار سایر عناصر جهان‌ساز مورد بررسی قرار داده‌اند. در ادامه، به معرفی برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه خواهیم پرداخت.

صادقی اصفهانی (۱۳۸۹) در بخشی از مقالۀ «بررسی عناصر جهان متن بر اساس رویکرد بوطیقای شناختی در یوزپلنگانی که با من دویده‌اند اثر بیژن نجدی» به شناسایی عناصر جهان‌ساز و نقش‌گستر در ساخت روایت داستان‌های نجدی پرداخت. او برای بررسی چگونگی عملکرد جهان‌سازها در متن و ذهن خواننده و همچنین نقش گزاره‌های نقش‌گستر برای ساخت جهان متن به بررسی بند آغازین داستان سپرده به زمین پرداخت.

گلفام و همکاران (۱۳۹۱) در مقالۀ «کاربرد نظریۀ جهان متن در شناسایی عناصر سازندۀ متن روایی داستان شازده احتجاب؛ بر مبنای رویکرد شعرشناسی شناختی» به شناسایی عناصر

جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر برای شناخت جهان‌های مختلف موجود در داستان شازده احتجاب بر اساس نظریهٔ جهان‌های متن پرداختند.

افراشی (۱۳۹۵) در بخشی از مقالهٔ «تحلیل داستان در نظریهٔ جهان‌های متن: مطالعهٔ موردی وداع اثر جلال آل احمد» به معرفی انواع عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر پرداخت. او ملال‌آور بودن فضای داستان را ناشی از مشخص‌بودن عناصر جهان‌ساز زمان و مکان در همان ابتدای بند اول داستان عنوان کرد.

دهقان و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «شناسایی عنصر سازندهٔ متن در داستان قضیه داستان باستانی یا رومان تاریخی» عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر در ۹ بند از داستان مذکور را بررسی کردند و نشان دادند که عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر در ساخت جهان متن شخصیت اول داستان نسبت به جهان‌های متن دیگر شخصیت‌های داستان بیشتر است.

همچنین، در میان پژوهش‌های صورت‌گرفته بر اساس انگارهٔ جهان‌های متن توسط پژوهشگران غیرایرانی، تنها لاهی (۲۰۰۶) به‌طور ویژه به عنصر مکان بر اساس لایهٔ جهان متن در این انگاره پرداخته است. لاهی (۲۰۰۶) در مقالهٔ «بازاندیشی در جهان‌سازها: مکان‌یابی جهان متن غزلیات کانادایی» با تکیه بر تحلیل ساخت مکان جهان متن در شعر کانادایی به بررسی عنصر بزرگ مکان پرداخت. وی دیدگاه ورث (۱۹۹۹) در مورد نقش گروه‌های اسمی در فرایند ساخت جهان را ناقص برشمرد و نشان داد که تمایز بین عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر آن‌طوری نبود که ورث در نظر داشت.

گاوینز[1] (۲۰۰۷) در پژوهش با عنوان *پیش‌درآمدی بر نظریهٔ جهان متن* در دو فصل جداگانه به‌طور مفصل به بحث عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر پرداخت. وی به بررسی چگونگی تسهیل فرایند ساخت جهان‌های متن به‌وسیلهٔ عناصر جهان‌ساز با استفاده از یک فایل صوتی راهنما و گزیده‌هایی از داستان‌های منثور ادبی پرداخت و سپس در به چگونگی مفهوم‌سازی کنش‌ها، رویدادها و سایر فریندهای توصیف‌شده در یک گفتمان با استفاده از سه گزارش مختلف از یک مسابقه فوتبال که از سه منبع متضاد گرفته شده بودند، پرداخت.

1- J . Gavins

جووانلی[1] (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنـوان *نظریـه جهـان مـتن و شـعر کیـتس: شعرشناسـی شناختی میل، رویاها و کابوس‌ها* به بازنمایی عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر برخـی از اشعار کیتس[2] پرداخت.

گاوینز و لاهی (۲۰۱۶) در کتاب *گفتمان جهان‌ساز در ذهن* برخی از جدیـدترین کارهـا در زمینۀ درک چگونگی عملکرد جهان‌سازها و بررسـی روابطـی کـه بـین جهـان واقعـی، مـتن و بازنمایی ذهنی وجود دارد را گرد هم آوردند و قابلیت‌های رویکردهای مبتنی بر جهان را برای گفتمان به نمایش گذاشتند.

لاهی(۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان *زبان در مکان: دیدگاه‌های سبکی در مورد منظر، مکان و محیط* به تجزیه و تحلیل دو شعر از شاعر کانادایی آلدن نولان[3] که در راسـتای همـان پـژوهش پیشین او (لاهی، ۲۰۰۶) بود، پرداخت. یافته‌های پژوهش او شواهدی از محـدودیت‌هـای نظـر ورث از مکان در رابطه با منظر جهان متن و همچنین اهمیت اسامی عام غیر مکانی در سـاخت جهان را نشان داد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

ماهیت روش انجام این پژوهش، توصیفی-تحلیلی بـوده و داده‌هـا بـه روش کتابخانـه‌ای از کتاب *کرسی* اثر شیرکو که به زبان کُردی سورانی و با استفاده از چهار ژانر مختلف ادبی اعم از شعر، قصه، نثر و نمایشنامه به نگارش در آمده است، گردآوری شده‌اند. روش بررسی فرضیّه‌ها و یا پاسخگویی به پرسش‌ها با توجه به ماهیت اثر و همچنین ماهیت انگـارۀ جهـان‌هـای مـتن صورت گرفته است. با در نظر گرفتن ماهیت اثر که در آن ژانرهـای مختلـف ادبـی در جریـان هستند و با گذر متن از یک ژانر و ورود به ژانرهای بعدی همچنان انسـجام درون‌متنـی حفـظ می‌شود و خللی در معنا ایجاد نمی‌شود. بنابراین، از آن جایی‌که انسجام درون‌متنی اثر با وجـود استفاده از چند ژانر مختلف ادبی در آن همچنان حفظ می‌شود، بررسی و تحلیل چنین متنـی در چارچوب انگارۀ جهان‌های متن از کارایی مناسبی برخوردار است و همچنین چون ایـن انگـاره یک نظریۀ بافت-مبنا است، از میان کارهای شیرکو انتخاب *کرسی* برای این پژوهش بـه جهـت

1- M. Giovanelli
2- Keats
3- A. Nowlan

این بود که بعد از انتشار این اثر تا حدودی بافت آن به واسطهٔ مصاحبه‌ای که از او در مجلهٔ گوهران (۱۳۸٦) منتشر شد، مشخص شده بود. در این جُستار، برای ایجاد درک درستی از نحوهٔ شکل‌گیری مکان جهان متن *کرسی* از نمودار جهان متن در بررسی داده‌ها استفاده شده است.

۱-۳ نگاهی به شیرکو بیکس شاعر کُردزبان

بی‌شک هرگاه در مورد ادبیات کُرد و به‌ویژه شعر کُردی سخنی گفته شود، اولین چیزی که در ذهن مخاطب تداعی می‌شود، نام شیرکو بیکس است. شیرکو که در زیر سقفی از شعر در شهر سلیمانیه در سال ۱۹٤۰ متولد شد، پسر شاعر معروف کُرد فایق بیکس بود. در سال ۱۹٦۸ اولین مجموعه شعرش را در شهر بغداد منتشر کرد و در سال ۱۹۷۰ با انتشار بیانیهٔ موسوم به روانگه (دیدگاه) موج دوم نوگرایی در شعر کُردی را پدید آورد. در نیمهٔ اول دههٔ هفتاد منظومه‌های *کاوه آهنگر* (۱۹۷۱)، *آهو* (۱۹۷٦) را در قالب نمایشنامه نوشت و سپس به خلق *درهٔ پروانه‌ها* (۱۹۹۱)، *بوی نامه* (۱۹۹۸)، *صلیب و مار و روزشمارِ یک شاعر* (۱۹۹۸)، *رنگ‌نامه* (۲۰۰۱)، *مهمان پاییزی* (۲۰۰۲)، *صندلی* (۲۰۰۵)، *گردنبند* (۲۰۰۷) پرداخت. شیرکو بیکس با آگاهی از این واقعیت که ظرف شعر قادر به بیان عمق فجایع اخیری که بر کُردها گذشته است، نیست قالب رمان‌شعر یا قصیده‌شعر را برگزید که پیش از او کسی در ادبیات کُردی به این کار مبادرت نورزیده بود. در نوشتن متن *کرسی*، شیرکو با بهره‌گیری از چهار نوع ژانر مختلف ادبی به بازنمایی مفاهیمی همچون «طبیعت»، «فاجعه انسانی حلبچه» و «انفال» همت گمارد. سبکِ نوشتاری *کرسی* حاصل تجربه‌ای بود که او پیشتر در کارهایی مانند *درهٔ پروانه‌ها* (۱۹۹۱) و *صلیب و مار و روزشمارِ یک شاعر* (۱۹۹۸) به‌کار گرفته بود. وی، همچنین، برای فاصله گرفتن از تک‌صدایی و رسیدن به چندصدایی و همچنین به‌خاطر نزدیکی بیشتر به مردم، کاربست چند ژانر مختلف ادبی در متن *کرسی* را به‌کار گرفت.

متن *کرسی* از آغاز تا پایان روایتی است که از به دنیا آمدن *کرسی* شروع و با مرگ وی پایان می‌پذیرد. در *کرسی* در جاهایی شعر را می‌بینی و در مقاطعی دیگر نثر و در قسمتی دیگر قصه و در مرحله‌ای هم نمایشنامه و حتی گزارش‌های روزنامه‌نگاری و گفتگوهای عادی و کلامِ محض هم در آن جای می‌گیرد (شاسواری، ۲۰۱۳: ۸) و در جایی‌که لازم است، نویسنده برخورد داستانی داشته است (بیکس،۱۳۸٦: ٤٦). به‌طور خلاصه در این اثر شعر، نثر، نمایشنامه

و داستان در گذرند و تمام بخش‌های آن با رشته‌ای از خاطره‌ها که توسط خودکرسی روایت می‌شود، به هم پیوند خورده‌اند. او با گشودن مرزهای مسدود شعر، پیوندی طبیعی با سایر ژانرهای ادبی برقرار کرد به نحوی که خود او برای متن حاصل از چنین آمیزه‌ای، عنوان متن باز را برگزید (ورزنده،۱٤۰۰: ۳۸٦). با ترجمهٔ آثارش به دیگر زبان‌ها شهرتی جهانی یافت و در سال ۱۹۸۸ برندهٔ جایزهٔ خانهٔ قلم سوئد (کورت توخولسکی)[1] شد و لقب همشهری از کشور ایتالیا را دریافت کرد و از سال ۱۹۸۸ برخی از اشعارش هم در کتاب‌های درسی دانش‌آموزان ایالات متحدهٔ آمریکا، کانادا و بسیاری از کشورهای اروپایی گنجانده شد (کریم‌مجاور،۱۳۹٦: ۱۰). در سال ۱۹۹۸ مؤسسهٔ انتشاراتی سَردَم (زمان) را در شهر سلیمانیه راه‌اندازی کرد و در سال ۲۰۰۱ جایزهٔ پیرمرد را دریافت کرد. بعد از خلق نزدیک به ۵۰ اثر، بالأخره در سال ۲۰۱۳ در کشور سوئد چشم از جهان فرو بست و بنابر وصیتش در پارک آزادی شهر سلیمانیه به خاک سپرده شد.

٤. انگارهٔ جهان‌های متن

انگارهٔ جهان‌های متن، یک نظریهٔ زبان‌شناسی شناختی ساخت-معنا است که تلاش می‌کند چگونگی بازنمایی محتوای یک گفتمان را در ذهن شرکت‌کنندگان گفتمان نشان دهد (لاهی، ۲۰۲۱: ٤٦). کار ورث بر روی این نظریه در سال ۱۹۹۹ با انتشار کتاب *جهان‌های متن: بازنمایی فضای مفهومی در گفتمان*[2] که پس از مرگ وی انتشار یافت، به اوج خود رسید و از آن زمان به بعد این نظریه از طریق کار سایر پژوهشگران به رشد و شکوفایی رسید (لاهی، ۲۰۰۳: ۷٤). از آنجایی‌که این اثر اساساً برای توضیح انگارهٔ جهان‌های متن طراحی شده بود و نه برای نشان‌دادن اصول آن در عمل، کاربست آن توسط پژوهشگران بعد از ورث موجب شد تا اصلاحاتی در برخی از ارکان اصلی نظریه به‌وجود آید. یکی از این اصلاحات به نقش عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر در شکل‌گیری مکان جهان متن بر می‌گشت که توسط لاهی (۲۰۰٦) پیشنهاد شد. در این پژوهش قبل از پرداختن به این موضوع، ابتدا ساختار معماری انگارهٔ جهان‌های متن مطرح خواهد شد. این انگاره در حالی‌که پایه‌های خود را در

1- K. Tucholsky
2- Text Worlds: Representing Conceptual Space in Discourse

نظریه‌های جهان‌های ممکن استوار کرد، یکی از نظریه‌های مشابه پردازش گفتمان است که در چند دههٔ گذشته در سبک‌شناسی پدید آمده است (لاهی،۲۰۰۳: ۷۴–۷۵).

فرض اصلی انگارهٔ جهان‌های متن این است که هرگاه در یک گفتمان شرکت می‌کنیم (که صرفاً به عنوان ترکیبی از یک متن و بافت مربوط به آن تعریف می‌شود) پیکربندی شبکه‌ای از فضاهای مفهومی یا جهان‌ها را ایجاد می‌کنیم که با لایه‌های هستی‌شناختی متمایز گفتمان مطابقت دارد (لاهی،۲۰۱٤: ۲۸۷). این پیکربندی شبکه‌ای از فضاهای مفهومی یا جهان‌ها شامل جهان گفتمان[1]، جهان متن[2]، و جهان‌های زیرشمول[3] است. سطح خارج یا کلان این پیکربندی، لایه‌ای را تشکیل می‌دهد به‌نام جهان گفتمان که بازنمایی بافت مکانی‌زمانی بی‌واسطه‌ای است که گفتمان در آن اتفاق افتاده است (همان) و شامل شرکت‌کنندگان[4] گفتمان، یک رویداد زبانی (یا گفتمان) طبیعی و همه چیزهایی است که شرکت‌کنندگان می‌توانند درک کنند یا از برداشت‌هایشان استنباط کنند (لاهی،۲۰۰٦: ۱٤٦). گفتمانی که در جهان گفتمان اتفاق می‌افتد، ساختن لایهٔ بعدی در سامانهٔ نظریهٔ جهان‌های متن؛ یعنی جهان متن را به‌دنبال دارد. اینجاست که محتوای گفتمان بازنمایی می شود؛ پس جهان متن، بازنمایی داستان گفتمان است (ورث،۱۹۹۵الف: ۵۳) و شامل عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر می‌شود، به‌گونه‌ای که عناصر جهان‌ساز باعث شکل‌گیری پس‌زمینهٔ[5] متن می‌شوند و گزاره‌های نقش‌گستر روایت یا حرکت درون متن را به جلو پیش می‌برند (استاک‌ول[6]، ۲۰۰۲: ۱۳۷). آخرین سطح جهان که ورث پیشنهاد کرد، جهان‌های زیرشمول است. جهان‌های زیرشمول از درون جهان متن سرچشمه می‌گیرند و بر اساس طبقه‌بندی ورث ممکن است سه نوع باشند: جهان‌های زیرشمول اشاره‌ای[7]، که با تغییرات مکانی یا زمانی ایجاد می‌شوند. جهان‌های زیرشمول نگرشی[8] که با بیان نگرش نشان داده می‌شوند و جهان‌های زیرشمول معرفتی[9] که با گزاره‌هایی گزاره‌هایی که وجه معرفتی را نشان می‌دهند، نشان داده شده‌اند (ورث،۱۹۹۹: ۲۱٦).

1- Discourse world
2- Text world
3- Sub-worlds
4- participant
5- background
6- P. Stockwell
7- Deictic sub-world
8- Attitudinal sub-world
9- Epistemic sub-world

از سه لایهٔ معناییِ مطرح‌شده در انگارهٔ جهان‌های متن آن‌چه که در این پژوهش مورد توجه نگارندگان بوده است، لایهٔ جهان متن است. جهان متن برای هر گفتمان معینی از طریق فرایندی از مذاکره ساخته می‌شود که مشارکت‌کنندگان گفتمان را بر دو منبع اصلی ورودی برای چگونگی ساخت جهان متن یاری می‌کند که شامل خود متن و منابع شناختی شرکت‌کنندگان گفتمان می‌شود. متن دو نوعِ اطلاعات را ارائه می‌دهد که ساخت متناوب جهان متن در حال ظهور را هدایت می‌کنند. ابتدا، متن اطلاعاتی در مورد متغیرهای موقعیتی جهان متن: زمان، مکان، موجودیت‌ها (شخصیت‌ها و اشیاء)، ویژگی‌ها و روابط متقابل ارائه می‌دهد. اطلاعات اشاره‌ای زمان و مکان جهان متن را مشخص می‌کند؛ در حالی‌که اطلاعات ارجاعی برای معرفی موجودیت‌ها به‌عنوان موجودات جهان متن و مشخص‌کردن خواص و روابط بین آن‌ها به‌کار می‌رود (ورث،۱۹۹۹: ۵۲). چنین اطلاعات اشاره‌ای و ارجاعی به‌عنوان جهان‌سازها شناخته می‌شوند، زیرا پس‌زمینه‌ای را ایجاد می‌کند که رویدادهای داستان بر اساس آن به پیش می‌روند. نوع دوم اطلاعات متنی که از ساخت متناوب جهان متن خبر می دهد از طریق آنچه به عنوان گزاره‌های نقش‌گستر شناخته می‌شود، می‌آید. گزاره‌های نقش‌گستر، گزاره‌هایی هستند که کارکرد (یعنی هدف) گفتمان را که با نوع ثبت گفتمان تعیین می‌شود، برآورده می‌کنند (ورث،۱۹۹۵الف: ۵۹). عناصر جهان‌ساز و نقش‌گستر معمولاً به روش‌های کاملاً متمایز در ساخت اولیه و بسط متناوب یک جهان متن کمک می‌کنند. عناصر جهان ساز بافت‌های مکانی‌زمانی را ایجاد می‌کنند، در حالی‌که نقش‌گسترها پیش‌بینی‌هایی هستند که کنش‌هایی را که در این بافت‌ها انجام می‌شود بیان می‌کنند. لاهی (۲۰۰۶: ۱٤۸) ادعا کرد که اگرچه تمایز بین این دو عنصر گفتمانی به‌لحاظ نظری معنا پیدا می‌کند، اما در عمل حداقل تا آنجا که به ایجاد مکان در جهان متن مربوط می‌شود همیشه این‌طور به نظر نمی‌رسد که وظایف مربوط به جهان‌سازها و نقش‌گسترها به همان وضوحی که ورث پیشنهاد کرد، تفویض شده باشد. در بخش‌های بعدی، ابتدا نحوهٔ شکل‌گیری مکان جهان متن *کرسی* اثر شیرکو بیکس از عناصر جهان‌ساز مطابق با آرای ورث (۱۹۹۹) و لاهی (۲۰۰٦) توضیح داده خواهد شد و سپس به نحوهٔ شکل‌گیری مکان جهان متن *کرسی* از گزاره‌های نقش‌گستر با استفاده از آرای لاهی (۲۰۰٦) خواهیم پرداخت.

۵. بررسی لایۀ جهان متن در *کرسی* اثر شیرکو بیکس

۱-۵ نحوۀ ساخت مکان جهان متن *کرسی* بر اساس عناصر جهان‌ساز

نشانه‌های زبانی موجود در متن که باعث ساخت جهان متن می‌شوند به‌عنوان جهان‌سازها شناخته می‌شوند. جهان‌سازها یا پس‌زمینه جهان متن؛ متغیرهای موقعیتی زمان، مکان، شخصیت‌ها و اشیاء هستند که باعث ساخت لایۀ جهان متن می‌شوند (ورث،۱۹۹۹: ۱۸۷-۱۸۰). ورث (۱۹۹۵الف:۷٦) فهرست طبقه‌بندی شده‌ای از این عناصر را به شرح زیر ارائه کرد:

لایۀ جهان متن
عناصر جهان‌ساز زمان: زمان افعال، قید زمان، بندهای قید زمان مکان: قیدهای مکان، گروه‌های اسمی با معنای مکان‌نما، بندهای قید مکان‌نما موجودیت‌ها (شخصیت‌ها و اشیاء)گروه‌های اسمی عینی یا انتزاعی از همۀ ساختارها و در هر موقعیتی

نمودار۱- عناصر جهان‌ساز جهان متن (ورث،۱۹۹۵الف: ۷٦).

از میان چهار متغیر موقعیتی که برای ایجاد یک جهان متن ضروری هستند، به نظر می‌رسد مکان نقطۀ شروع طبیعی بحث در مورد ارکان اصلی جهان متن باشد (لاهی،۲۰۲۱: ٤۸). گروه‌های اسمی و به ویژه گروه‌های اسمی عینی[1] تعیین می‌کنند که مکان جهان متن از چه چیزی تشکیل شده است، و تصویری غنی از مکان جهان متن ارائه می‌دهند (همان). یکی از راه‌های آشکاری که در آن گروه‌های اسمی با معنای مکان‌نما در ساخت مکان جهان متن کمک می‌کنند، جایی است که از نام مکان‌ها برای اشاره به مکان‌های مشابه در جهان استفاده می‌شود. نام‌مکان‌ها در اشعار بسته به این‌که در کجای متن یا پیرامتن شعر ظاهر می‌شوند، کارکردهای گفتمانی متفاوتی دارد. در بدنۀ اصلی شعرها، به‌عنوان یک جهان‌ساز عمل می‌کنند که اغلب در ساخت جهان‌های اشاره‌ای که با جهان ماتریسی برای متغیر موقعیتی مکان و گاهی اوقات برای زمان در تضاد هستند، کمک می‌کنند. در پی تحلیلِ عناصر جهان‌ساز متن *کرسی* مشخص شد که از گروه اسمی نام‌مکان برای اشاره به شهرها، روستاها، نشانه‌های طبیعی و مناطق جغرافیایی استفاده شده است که در پایین به ترتیب نمونه‌ای از هر یک ارائه می‌شود:

1- concrete noun phrases

1-Sherko Bekas: meni nusæri ʔæm dæqæ, der zæmanæ, / **Lam ʃaræ da**, ʧon ba yæki ʃet u weti / pexawsi ʃærwal derawi særgærdan, / dem u dæʧm, /…." (Bekas, 2013: 11-12)

۱. شیرکو بیکس: «من نگارندۀ این سطور دیر زمانیست،/ در **این شهر**، همچون بادی واله و شیدا/ پابرهنه، یک لای قبای سرگردان، در رفت و شدم» (شاسواری، ۲۰۱۳: ۱۲).

2-Sherko Bekas: bæ daxæwæ læ **ʤasnæ** jækekjan frokæ koʃti u ʔæwitrjan rujkrdæ **hanægærmælæ**" (Bekas, 2013: 23)

۲. شیرکو بیکس: «متأسفانه در **جاسَنه** بمب افکن یکی از آنها را/ کُشت و دیگری هم به **هانه‌گرمَله** کوچ کرد» (شاسواری، ۲۰۱۳: ۵۰)، جاسَنه و هانه گرمَله از دهات اطراف سلیمانه نزدیک شهرک دکان هستند.

3-Sherko Bekas: kate særnʤi le ʔædæjt/ ʔælej hæwreki beʧkolæj/ sær **sæjwan**æ (Bekas, 2013: 13)

۳. شیرکو بیکس: « وقتی نگاهش می‌کنی/ انگار پاره ابری کوچک و غمگین/ بر فرازِ **سَیوان** است»(شاسواری، ۲۰۱۳: ۱۳)، سیوان گورستان سلیمانیه و از تپه‌های اطراف شهر است.

4-Sherko Bekas: ʤæbæl **hæmrin**" (Bekas, 2013:38).

٤. «جبل **حمرین**» (شاسواری،۲۰۱۳: ۱۱۱)، حمرین رشته‌کوهی در استان دیالی عراق است.

در همۀ این نمونه‌ها، نام‌مکان‌ها با ایجاد مکان‌های جهان متن در جهان واقعی به فرایند ساخت جهان با استفاده از گروه‌های اسمی عینی کمک می‌کنند. با این حال، این تنها راهی نیست که در آن گروه‌های اسمی به ساخت مکان جهان متن کمک می‌کنند.

راه دیگر که در آن گروه‌های اسمی در ساخت مکان جهان متن کمک می‌کنند، جایی است که در آن مقوله‌های شناختی در جهان‌سازی سهم دارند. ورث (۱۹۹۹) خاطر نشان می‌کند که ایجاد موجودیت یکی از کنش‌های اساسی جهان متن‌سازها است (ورث،۱۹۹۹: ۱۵۸). گروه-های اسمی بر ایجاد موجودیت‌ها در جهان متن حاکم هستند و به خواننده کمک می‌کنند تا دریابد که جهان متن از چه چیزی تشکیل شده است. برای مثال، در سرآغاز گفتمان کرسی، موجودیت‌های جهان متن از رهگذر گروه‌های اسمیِ «منِ نگارندۀ این سطور» و «یک صندلی» معرفی می‌شوند؛ با این حال یک واقعیت پذیرفته‌شده در علوم شناختی این است که موجودیت‌ها بر اساس آنچه به‌عنوان مقوله‌های شناختی شناخته می‌شوند، سازماندهی می‌شوند

(استاک‌ول،۲۰۰۲: ۳۲–۳۱). چنین مقوله‌هایی مرزهای مشخصی برای عضویت ندارند، اما در عوض بر اساس اصل «نمونه‌های خوب یا بد (x)» هستند که بهترین نمونه‌ها نقش پیش‌نمونه[1]های مقوله را به عهده می‌گیرند. مقوله‌ها و پیش‌نمونه‌های آن‌ها در جهان به این صورت نیستند، بلکه در ذهن وجود دارند. علاوه بر این، آن‌ها ساختارهای ثابتی در ذهن نیستند که مقدم بر تعامل ما با جهان باشند، بلکه محصول تجربیات بدن‌مندی‌شدهٔ[2] ما از موقعیت‌های مختلف هستند که به روش‌های متفاوتی برای سازماندهی درک ما از جهان نیاز دارند (گیبز[3]،۲۰۰۳: ۲۹). اگرچه نظریهٔ پیش‌نمونه ادعا می‌کرد که در سطح پایه است که بیشترین تعداد تفاوت‌ها بین موجودات قابل تشخیص است، با این وجود به نظر می‌رسد که این سطح زیرشمول است و نه سطح پایه که بیشترین مسؤولیت را برای محدودکردن احتمالات برای مکان جهان متن دارد (لاهی،۲۰۰۶: ۱۵۵). با توجه به نقش گروه‌های اسمی در ساخت مکان‌های جهان متن، ممکن است درجهٔ مکان ارائه‌شده در یک شعر خاص به‌عنوان مکان، به‌طور کامل یا جزئی بر اساس سطح مقولهٔ انتخاب‌شده توسط شاعر یا بر اساس سطح مقولهٔدرک‌شده توسط خواننده باشد. بنابراین، در غیاب نام‌مکان‌ها، نمونه‌های زیرشمول مقوله‌های سطح پایه، در ترکیب با دانش شرکت‌کنندهٔ مربوطه، ممکن است به شناسایی مکان جهان متن کمک کنند. به‌عنوان مثال، در نمونه‌های زیر مکان جهان متن از رهگذر نام شخصیت‌های جهان متن بازنمایی شده است:

نمونهٔ ۱:

bawkem gerajæwæ weti:
dwaj mærgi **xatun ʔænbær** bu
læ hæræti ʧel u leq u gælada bum
hawine bu, ʤarek **mæwlæwi** rej kæwtæ
ben sebærm. (Bekas,2005: 23)

پدرم تعریف کرد و گفت:
بعد از مرگِ **عنبر خاتون** بود
در عنفوانِ شاخه و ساقه و برگ بودم
تابستان بود، یکبار **مولوی** گذرش

1- prototype
2- embodied
3- R. W. Gibbs

به زیر سایه‌ام افتاد (شاسواری،۲۰۱۳: ۵۱–۵۲).

پیش از بررسی نحوهٔ شکل‌گیری مکان جهان متن در نمونهٔ بالا، لازم است در مورد حکایت‌خوانی و بازگویی رویدادهای متن *کرسی* توضیحاتی آورده شود. در سرآغاز گفتمان کرسی، شیرکو بیکس بعد از معرفی خود به‌عنوان نگارندهٔ اثر، از طریق جهان‌های زیرشمول معرفتی ساختار معماری اثر و همچنین افکار و ذهنیات خودش را معرفی می‌کند. از سرآغاز گفتمان کرسی به بعد خاطره‌گویی و بازگویی رویدادها از یک قهوه‌خانهٔ کوچک در شهر سلیمانیه از زبان یک کرسی از زمانی‌که یک نهال درخت گردو در باغات اورامانت بوده، شروع می‌شود.

لایهٔ جهان متن نمونهٔ یک
عناصر جهان‌ساز زمان: تابستانی در گذشته مکان: شخصیت‌ها: عنبر خاتون[1]، مولوی[2] اشیاء: شاخه، ساقه، برگ

نمودار۲- عناصر جهان‌ساز جهان متن در *کرسی*

عناصر جهان‌ساز در لایهٔ جهان متن بالا به صورت نمودار۲ نشان داده شده است. در این نمودار، جایگاه عنصر جهان‌ساز مکان خالی است. هر چند هیچ نام‌مکانی در قطعهٔ بالا وجود ندارد، اما ایجاد مکان جهان متن از رهگذر گروهای اسمی عینی «عنبر خاتون» و «مولوی» که در جایگاه عنصر جهان‌ساز شخصیت قرار دارند، تحقق می‌یابد. هیچ‌یک از این گروه‌های اسمی «عنبر خاتون» و «مولوی» معنای مکان‌نمایی به‌گونه‌ای که ورث در نظر داشت، ندارند. اما با این وجود در جایی که این گروه‌های اسمی در معرض خواننده‌ای با دانش جغرافیا، تاریخ و فرهنگ کُرد قرار گیرند، مکان جهان متن را برای آن خواننده بازنمایی خواهند کرد. گروه‌های

۱- معشوقهٔ مولوی

۲ -از شعرای برجستهٔ کُرد

اسمی «عنبر خاتون و مولوی» هر چند خالی از معنای مکان هستند، بـا وجـود ایـن، در ایجـاد مکان جهان متن برای نمونهٔ بالا از گفتمان *کرسی* سهیم هستند.

مکان جهان متن علاوه بر اینکه از رهگذر نام شخصیت‌های جهان متن بازنمایی مـی‌شـوند، ممکن است از رهگذر عنصر زمان نیز بازنمایی شوند. به عنوان مثال نمونه‌های زیر را از *کرسی* در نظر بگیرید:

نمونهٔ ۲:

læ særdæmi dræxtima
roʒ hæbu, per bu læ dukæl
læw darestanæ zelæda, hænasæman bo næ-ædra
roʒ hæbu tæm wa ʔæniʃtæ sær ʤæstæman
ʔæmanwet ʔiter mæhælæ ʤareki-ter hælse u berwa.
ʃæw hæbu hæta bæjani gæla merduwækanman ʔæʒmard. (Bekas, 2013:31)

در ایامِ درختیم
روز بود پُر از ملخ
چشمانِ گردو را از حدقه در می‌آوردند!
روز بود پر از دود
در آن **نیستان**، نفس کشیدن دشوار می‌شد
روز بود مه و میغ چنان بر هیکل‌مان می‌نشست
می‌گفتیم دیگر محال است برخیزد و برود
شب بود تا بامداد برگ‌های مرده را می‌شمردیم (شاسواری،۲۰۱۳: ۸۷-۸۸)

بازنمایی عناصر جهان‌ساز نمونهٔ ۲ با استفاده از معیارهای نشانه‌گـذاری انگـارهٔ جهـان‌هـای متن، در قالب نمودار به صورت نمودار ۳ در ذیل آمده است:

عناصر جهان‌ساز جهان متن بالا به صورت نمودار ۳ نشان داده شده است. در ایـن نمـودار، جایگاه عنصر جهان‌ساز مکان با گروه اسمی «نیستان» پر شده است. هنگامی‌که موقعیت مکـانی جهان متن تا حدودی به این ترتیب مشخص شد، شیرکو بیکس بـه ارائـهٔ جزئیـات بیشـتری از مکان جهان متن می‌پردازد که در نمودار٤ نشان داده می‌شود. بردارهای افقی در نمـودار٤ بـرای

نشان‌دادن فرایندهای رابطه‌ای است که در این‌جا به منظور نشان‌دادن ویژگی‌هـای مکـان جهـان متن استفاده شده است.

لایهٔ جهان متن نمونهٔ دو
عناصر جهان‌ساز
زمان: گذشته (ایام درختی، بامداد، روز، شب)
مکان: نیستان
شخصیت‌ها: ضمایر شخصی متصل (م، یم)، گردو، برگ‌های مرده
اشیاء: دود، ملخ، مه و میغ

نمودار۳- عناصر جهان‌ساز جهان متن در کرسی

لایهٔ جهان متن نمونهٔ دو
عناصر جهان‌ساز
روز ← بود پُر از ملخ
روز ← بود پر از دود
روز ← بود مه و میغ چنان بر هیکل‌مان می‌نشست
شب ← بود تا بامداد برگ‌های مرده را می‌شمردیم

نمودار ٤- مکان جهان متن و ویژگی‌های آن در کرسی

این ارجاعات به زمان با فعال‌کردن قالب‌های دانشی که زمان‌ها را به منـاظر خـاص مـرتبط می‌کند، به تعیین یا مشخص کردن مکان جهان متن کمک می‌کند. با توجه به جزییات ارائه‌شـده در نمودار ٤، عناصر «روز و شب» بسان ظرفی در نظر گرفته شده‌اند که ملخ، دود، مه و میـغ را در خود جای داده باشند و این گونه به بازنمایی مکان جهان متن کمک می‌کنند.

یافته‌های به‌دست‌آمده از فرآیند جهان‌سازی گروه‌های اسمی حاکی از آن است که هر چنـد بخش عظیمی از بازنمایی مکان در کرسی از رهگذر گروه‌های اسـمی بـا معنـای مکـان‌نمـایی حاصل شده است، اما سایر گـروه‌هـای اسـمی فاقـد معنـای مکـان‌نمـایی نیـز از رهگـذر نـام شخصیت‌های جهان متن و عنصر زمان جهان متن در بازنمایی مکان جهان مـتن کرسـی نقـش داشتند. بازنمایی مکان با گروه‌های اسمی با معنای مکان‌نمـایی بـا اسـتفاده از یافتـه‌هـای ورث

(۱۹۹۹) حاصل شد و بازنمایی مکان با گروه‌های اسمی فاقد معنای مکان‌نمایی با استفاده از یافته‌های لاهی (۲۰۰۶) از رهگذر بسط مبحث مقوله‌های شناختی سطح پایه و زیرشمول نظریهٔ پیش‌نمونه در انگارهٔ جهان‌های متن حاصل شد.

۲-۵ بازیابی عنصر مکان در *کرسی* با استفاده از گزاره‌های نقش‌گستر بر اساس یافته‌های لاهی (۲۰۰۶)

بعد از اینکه نحوهٔ شکل‌گیری مکان جهان متن *کرسی* توسط عنصر جهان‌ساز مکان از رهگذر گروه اسمی مکان‌نما و همچنین شکل‌گیری آن با استفاده از عناصر جهان‌ساز زمان و شخصیت از رهگذر مقوله‌های شناختی بدست آمد، نوبت به بررسی نحوهٔ شکل‌گیری مکان جهان متن *کرسی* با استفاده از گزاره‌های نقش‌گستر می‌رسد، قبل از ورود به این مبحث، چگونگی تکامل و گسترش قطعه‌ای از متن *کرسی* که در آن فاجعهٔ شیمیایی حلبچه به تصویر کشیده شده است، بررسی می‌شود. شایان ذکر است در بخش قبلی از عنصر جهان‌ساز زمان این قطعه برای بازنمایی مکان استفاده شد.

نمونهٔ ۳:

læ særdæmi dræxtima
roʒ hæbu, per bu læ kolæ
ʧawi gewezjan dær ʔæhena
roʒ hæbu, per bu læ dukæl
læw darestanæ zelæda, hænasæman bo næ-ædra
roʒ hæbu tæm wa ʔæniʃtæ sær ʤæstæman
ʔæmanwet ʔiter mæhælæ ʤareki-ter hælse u berwa
ʃæw hæbu hæta bæjani gæla merduwækanman ʔæʒmard
læ tersanda ʔæxzajnæ naw bawæʃî jækteræwæ. (Bekas, 2013: 31)

در ایامِ درختیم
روز بود پُر از ملخ
چشمانِ گردو را از حدقه در می‌آوردند!
روز بود پر از دود
در آن نیستان، نفس کشیدن دشوار می‌شد
روز بود مه و میغ چنان بر هیکل‌مان می‌نشست
می‌گفتیم دیگر محال است برخیزد و برود

شب بود تا بامداد برگ‌های مرده را می‌شمردیم

از ترسمان همدیگر را بغل می‌کردیم. (بیکس،۲۰۱۳: ۸۷–۸۸)

شیرکو بیکس گرچه در بطن فاجعهٔ حلبچه حضور نداشت، اما رویدادها را آن‌گونه به تصویر کشیده است که گویی از نزدیک شاهد آن بوده است. وی برای اینکه فاجعهٔ حلبچه را به تصویر بکشد، اشیاء و پدیده‌های طبیعی را انسان‌انگاری کرد؛ چون آن‌ها تنها شاهدان عینی واقعه بوده‌اند (ورزنده،۱٤۰۰: ۳۳۷). کریم‌مجاور از مترجمان پُرکار آثار شیرکو به زبان فارسی بر این باور است که تشخص و جان‌بخشیدن به اشیاء در *کرسی* به اوج خود می‌رسد[1]. در اشعار او همیشه طبیعت حضور دارد، اما طوری از آن استفاده می‌کند که جای انسان را می‌گیرد. در متن *کرسی* در بخشی که در آن فاجعهٔ حلبچه به تصویر کشیده شده است، «درخت گردو» جای ساکنان حلبچه را می‌گیرد، هواپیماها ملخ می‌شوند تا چشمانِ گردو را از حدقه درآوردند، گازهای شیمایی دود می‌شوند تا نفس‌کشیدن را دشوار کنند و برگ‌های درختان انسان‌های مُرده می‌شوند تا تعداد جان‌باختگان حلبچه را نشان دهند. هر چیزی که در طبیعت و مکان است در شعر شیرکو بیکس جان می‌گیرند تا همچون شخصیتی فعال در تمثیل‌ها و داستان‌های کوتاه و بلند او نقش‌آفرینی کنند (ورزنده،۱٤۰۰: ١٤).

عناصری که به‌عنوان عناصر جهان‌ساز در ساخت پس‌زمینهٔ فاجعهٔ حلبچه حضور دارند و همچنین گزاره‌های نقش‌گستری که روایت فاجعهٔ حلبچه را به پیش می‌برند با استفاده از نمودار۵ بازنمایی شده‌اند. این نمودار متفاوت‌تر از نمودار جهان متن ۳ است. در پایین نمودار ۵ چند بردار عمودی وجود دارد که نشان می‌دهد چگونه این جهان متن شروع به پیشروی فراتر از عناصرجهان‌ساز می‌کند. بردارهای عمودی همیشه در نمودارهای جهان متن برای نشان دادن فرایندهای مادی استفاده می‌شوند.

در نمودار جهان متن۵، اشیاء جهان‌ساز انسان‌انگاری شده‌اند و نقش کنشگر را در فرایندهای مادی ایفا می‌کنند («ملخ چشمان گردو را در می‌آوردند»). همچنین ضمیر متصل «–یم» نقش کنشگر را برای دیگر فرایندهای مادی «می‌شمر**دیم**» و «بغل می‌کر**دیم**» ایفا می‌کند («- برگ‌های مرده را می‌شمردیم» و «از ترسمان همدیگر را بغل می‌کردیم». از آن‌جا که اکثریت این بخش از متن به فرایندهای مادی مربوط می‌شود، بخش نقش‌گستر جهان متن بر بخش

۱– این نقل قول در کتاب شناختنامهٔ شیرکو بیکس صفحهٔ ۳۵۰ آمده است.

عنصر جهان‌ساز آن برتری دارد. هرگاه تمرکز اصلی یک گفتمان به مجموعه‌ای از رویـدادها یـا کنش‌ها تبدیل شود، عنصر جهان‌ساز جهان متن غالبا به مواردی تقلیل می‌یابند که نقش کنشـگر یا کنش‌پذیر را در فرایندهای مادی مربوطه ایفا می‌کنند (گـاوینز،۲۰۰۷: ۵۹). بـه همـین دلیـل، مرسوم است که نمودارهای جهان متن مربوط به این گفتمان به دو بخش تقسیم شوند. عناصـر جهان‌ساز معمولاً در بالای نمودار خلاصه می‌شوند و مـوارد اشـاره‌ای را نشـان مـی‌دهنـد کـه پس‌زمینه جهان متن را تشکیل می‌دهند. آن‌ها حضور خود را در جهان متن حفظ مـی‌کننـد، در حالی‌که گزاره‌های نقش‌گستر که در بخش پایین نمودار نشـان داده مـی‌شـوند، در پـیش‌زمینـهٔ بازنمایی ذهنی گسترش می‌یابند و بر اساس بخش‌های عناصر جهـان سـاز جهـان مـتن کـنش انجام می‌دهند و روابطشان را توسعه می‌دهند.

لایهٔ جهان متن نمونهٔ سوم

عناصر جهان‌ساز

زمان: **روز** ← بود پُر از		شب← بود

↓

اشیاء:		**ملخ**		ترس

↓

شخصیت: چشمانِ گردو،		برگ‌های مرده		ـمان

↓		↓		↓

در می‌آوردند		**می‌شمردیم**		**بغل می‌کردیم**

نمودار ۵- جهان متن در حال گسترش فاجعهٔ حلبچه

در بخش مربوط به نحوهٔ شکل‌گیری مکان جهان متن با استفاده از عنصرجهان‌ساز مکـان در قطعهٔ فاجعهٔ حلبچه، مشخص شد که مکان جهان متن «نیستان» است. اگرچه عناصر جهان‌سـاز: «ملخ، دود، مه، میغ، برگ‌های مرده» هسـتند کـه بـه خواننـده از آمـدن اتفـاقی نـاگواری خبـر می‌دهند، اما این گروه‌های فعلی «در می‌آوردند، می‌شمردیم و بغل می‌کردیم» است کـه فاجعـهٔ حلبچه را پیشنهاد می‌کنند، به‌ویژه گـزارهٔ «بغـل مـی‌کـردیم» در «از ترسـمان همـدیگر را **بغـل می‌کردیم**» که برای خواننده نماد شهیدان حلبچه[1] را بازنمایی می‌کند. به این ترتیب گزاره‌هـای

۱- در فاجعهٔ حلبچه عمر خاور یکی از شهروندان حلبچه در حالی که فرزندش شیرخوارش را در بغل داشت، جان داد و بـه نمـاد «شهیدان حلبچه» تبدیل شد.

نقش‌گستر در قطعۀ فاجعۀ حلبچه از طریق مشخص‌کردن ظاهر و احساس کلی یک منظر جهان متن، به ساخت مکان جهان متن کمک می‌کنند (لاهی،۲۰۰۶: ۱۵۹).

لایۀ جهان متن		
عناصر جهان‌ساز زمان: گذشته (ایام درختی، بامداد، روز، شب) مکان: نیستان اشیاء: ملخ، دود، مه، میغ، شخصیت‌ها: چشمان گردو، برگ‌های مرده، ـمان		
گزاره‌های نقش‌گستر		
ملخ	**ـیم**	**ـیم**
↓	↓	↓
چشمانِ گردو،	برگ‌های مرده	ترس
↓	↓	↓
در می‌آوردند	**می‌شمردیم**	**بغل می‌کردیم**

نمودار۶- گزاره‌های نقش‌گستر در کرسی

۶. نتیجه‌گیری

انگارۀ جهان‌های متن به مطالعۀ گفتمان برای اولین‌بار توسط ورث (۱۹۹۹)، پیش از انتشار آخرین پژوهش ویژۀ او در مورد چارچوب جهان‌های متن در سال ۱۹۹۹ طرح‌ریزی شد. از زمان مرگ ورث، این چارچوب در طیف وسیعی از محیط‌های گفتمانی مختلف، به‌ویژه در حوزۀ شعرشناسی شناختی که در آن از یافته‌های علوم شناختی در تحلیل متون ادبی استفاده می‌شد، به‌کار گرفته شد. ورث (۱۹۹۹) معتقد بود که عناصر جهان‌ساز و نقش‌گستر به روش‌های کاملاً متمایز به ساخت و توسعۀ جهان متن کمک می‌کنند، اما لاهی (۲۰۰۶) بر خلاف ورث (۱۹۹۹) بین عناصر جهان‌ساز و نقش‌گستر جهان متن تمایز قائل نبود و معتقد بود که اگرچه تمایز بین این دو عنصر گفتمانی به‌لحاظ نظری معنا پیدا می‌کند، اما در عمل همیشه این‌گونه به نظر نمی‌رسد که وظایف مربوط به جهان‌سازها و نقش‌گسترها به همان وضوحی که ورث (۱۹۹۹) پیشنهاد می‌کند، تفویض شده باشد. در این پژوهش، راه‌های ساخت مکان جهان

متن در متن *کرسی* بر اساس انگارهٔ جهان‌های متن بررسی شد. یافته‌های حاصل از این پژوهش در بحث نقش عناصر جهان‌ساز در ساخت مکان جهان متن نشان داد که شیرکو برای بازنمایی مکان جهان متن *کرسی* متوسل به استفاده از نام‌مکان‌ها برای اشاره به شهرها، روستاها، نشانه‌طبیعی و مناطق جغرافیایی شده است. همچنین در غیاب نام‌مکان‌ها، شیرکو بر اساس سطح مقولهٔ شناختی انتخاب‌شده، از رهگذر عناصر جهان‌ساز زمان و شخصیت موفق به بازنمایی مکان جهان متن در متن *کرسی* شده بود. در بخشی از متن *کرسی* که فاجعهٔ حلبچه در آن به تصویر کشیده شده است، گروه‌های اسمی تا حدودی مکان جهان متن را مشخص کردند، اما در نهایت این گروه‌های فعلی بودند که از طریق مشخص‌کردن ظاهر و احساس کلی منظر جهان متن به شکل‌گیری مکان جهان متن کمک کردند. همچنین بازنمایی مکان در جهان متن *کرسی* اثر شیرکو با گروه‌های اسمی با معنای مکان‌نما و گروه‌های اسمی فاقد معنای مکان‌نمای ظاهری که در این پژوهش از رهگذر بررسی مقوله‌های شناختی، زمان و شخصیت مشخص شد، شواهد شناختی–شعری برای حمایت از ادعای شیرکو بیکس مبنی بر این‌که مکان و اسامی سطح وسیعی از آثار او را در برگرفته‌اند، ارائه داد.

۷. کاربرد نتایج این بررسی

شیرکو در برخی از آثارش از جمله *درهٔ پروانه‌ها*، *صلیب و مار* و *روزشمار شاعر و صندلی* به موضوع حلبچه و انفال پرداخته بود، اما در هر یک از این آثارش به‌گونه‌ای متفاوت به این موضوع نگریسته است. از آن جایی‌که در ادبیات روش‌های گوناگونی برای بیان یک موضوع مشترک وجود دارد، انگارهٔ جهان‌های متن با توجه به ابزار شناختی که در اختیار دارد می‌تواند با رمزگشایی از این‌گونه آثار، زوایای پنهان و نحوهٔ شکل‌گیری آن‌ها را از دید پدیدآورنده و مخاطب اثر مشخص و سرشت واقعی آن را کشف و از دیگر آثار بازشناسد.

منابع فارسی

۱. افراشی، آزیتا (۱۳۹۵). «تحلیل داستان در نظریه جهان متن: مطالعه موردی وداع اثر جلال آل احمد». *زبان و زبانشناسی* ۱۲(۲۳): صص۱۷–۳۸.

۲. بیکس، شیرکو (۱۳۸٦). «حلبچه‌ای در نروژ و دریای استکهلم». گوهران، بهار: صص۴۳-۴۸.[1]

۳. بیکس، شیرکو (۱۳۹٤). *کرسی*. تهران: آریوحان.

٤. بیکس، شیرکو (۱۳۹٤). *آهو*. تاران: تهران: آریوحان.

٥. بیکس، شیرکو (۱۳۹٤). *بوی نامه*. تهران: آریوحان.

٦. بیکس، شیرکو (۱۳۹٤). *درهٔ پروانه‌ها*. تهران: آریوحان.

۷. بیکس، شیرکو (۱۳۹٤). *رنگ‌نامه*. تهران: آریوحان.

۸. بیکس، شیرکو (۱۳۹٤). *صلیب ومار و روزشمار شاعر*. تهران: آریوحان.

۹. بیکس، شیرکو (۱۳۹٤). *کاوهٔ آهنگر*. تهران: آریوحان.

۱۰. بیکس، شیرکو (۱۳۹٤). *گردنبند*. تهران: آریوحان.

۱۱. بیکس، شیرکو (۱۳۹٤). *مهمان پاییزی*. تهران: آریوحان.

۱۲. بیکس، شیرکو (۲۰۱۳). *صندلی*. ترجمهٔ سیامند شاسواری. سلیمانیه: چاپ و انتشارات سَردَم.

۱۳. بیکس، شیرکو (۱۳۹٦). *مجموعهٔ اشعار شیرکو بیکس*. ترجمهٔ رضا کریم‌مجاور. تهران: مؤسسهٔ انتشارات نگاه.

۱٤. صادقی اصفهانی، لیلا (۱۳۸۹). «بررسی عناصر جهان متن براساس رویکرد بوطیقای شناختی در یوزپلنگانی که با من دویده‌اند اثر بیژن نجدی». *نقد ادبی*، ۱۰(۳): صص۱۳٤-۱۷٤.

۱٥. دهقان، مسعود؛ بهناز وهابیان؛ ابراهیم بدخشان و اکرم کرانی (۱۳۹۹). «شناسایی عنصر سازندهٔ متن در داستان قضیه داستان باستانی یا رومان تاریخی». *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۹(٤): صص۱٥۱-۱۲۹.

۱٦. گلفام، ارسلان؛ بلقیس روشن و فرزانه شیررضا (۱۳۹۱). «کاربرد نظریهٔ جهان متن در شناسایی عناصر سازندهٔ متن روایی داستان شازده احتجاب؛ بر مبنای شعرشناسی شناختی». *جستارهای زبانی*، ٥(٥): صص۱۸۳-۲۰٦.

۱- چون نام مصاحبه‌کننده در عنوان مصاحبه ذکر نشده بود، از نام مصاحبه‌شونده به‌جای مصاحبه‌کننده استفاده شد.

۱۷. مرادی، محمد رئوف (۱۳۹۲). «دقت‌هایی در شعر شیرکو، آن غول زیبا». روزنامـهٔ اعتمـاد، ۳ شهریور: ص۸.

۱۸. نظربیگی، مازیار (۱۳۹۲). «مرثیه‌سرای خورشید پاره‌پاره در سوگ امپراتور...». شعر نـو ۲۱ شهریور، ۱۳۹۲. دسترسی در ۱۳۹۲/٦/۲۱. https://shereno.com

۱۹. ورزنده، امید (۱٤۰۰). *شناختنامهٔ شیرکو بیکس*. تهران: نگاه.

20. Gavins, J. (2007). *Text World Theory: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
21. Gavins, J. & Lahey, E. (2016). *World Building Discourse in the Mind*. London: Bloomsbury Academic.
22. Gibbs, R. W. (2003). “Prototypes in dynamic meaning construal”. *Cognitive Poetics in Practice*. 27–40. London: Routledge.
23. Giovanelli, M. (2013). *Text World Theory and Keats’ Poetry: The Cognitive Poetics of Desire, Dreams and Nightmares*. London: Bloomsbury Academic.
24. Lahey, E. (2003). “Seeing the forest for the trees in Al Purdy’s Trees at the Arctic Circle”. BELL: *Belgian Journal of Language and Literatures* 1: 73–83.
25. Lahey, E. (2006). “(Re)thinking world-building: locating the texts-worlds of Canadian lyric poetry”. *Journal of Literary Semantics*. 35 (2):145-164.
26. Lahey, E. (2014). “Stylistics and text world theory”. *The Routledge Handbook of Stylistics*. 284-96. London: Routledge.
27. Lahey, E. (2021). “Death by nature in two poems by Alden Nowlan”. *In Language in Place. Stylistic perspectives on landscape, place and environment*. Amsterdam/ Philadelphia: John Benjamin Publishing Company.
28. Werth, P. (1999). *Text Worlds: Representing Conceptual Space in Discourse*. London: Longman.
29. Werth, P. (1995a) *How to Build a World* (in a Lot Less Than Six Days and Using Only What’s in Your Head). In K. Green (ed.) *New Essays on Deixis: Discourse, Narrative, Literature*. Amsterdam: Rodopi, pp. 49-80.
30. Stockwell, P. (2002). *Cognitive Poetics: An Introduction*. London and New York: Routledge.

A Cognitivism Approach to Location in the Text World Layer of *Chair* by Shirko Bikas: An Analysis Based on Text Worlds Theory

Bahman Heidari[1]
Ph.D. Candidate in Linguistics, Department of English Language and Literature, Faculty of Humanities Razi University, Kermanshah, Iran

Amer Gheitury[2]
Associate Professor, Department of English Language and Literature, Faculty of Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran

Masoud Dehghan[3]
Associate Professor, Department of English and Linguistics, Faculty of Language and Literature, University of Kurdistan, Sanandaj, Kurdistan, Iran (Corresponding Author)

Received: 16/07/2022 Accepted: 22/12/2022

Abstract

The present study is not only the first comprehensive study about a Kurdish poet using Text World theory, but also the first research of the formation of the location of the text world layer of *Chair* written by Shirko Bikas which has been done with the descriptive-analytic method and the aim of achieving the location of the text world of *Chair* based on Text World Theory. The data were selected and collected from Shirko's work titled *Chair*. Examining the formation of the text world of *Chair* using world-building elements and function-advancing propositions showed that the text world of *Chair* is represented through place names, and in the absence of place names, through the world-building elements of time and character. Also, one part of the representation of the location of the text world of *Chair* is obtained through the verbal phrases of function-advancing propositions. In addition, the representation of location in the text world of *Chair* provided cognitive-poetic evidence to support Shirko's claim that location and names cover a wide range of her works.

Keywords: text worlds theory, world-building elements, function-advancing propositions, Shirko Bikas, *Chair*

1- bahmanhaidari90@gmai.com
2- gheitury@gmail.com
3- m.dehghan@uok.ac.ir